



## تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرسّی طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳

جلسه‌ی هشتاد و چهارم؛ یکشنبه ۱۳۹۴/۱/۱۶

### ۲. صحیح‌هی ابو حمزة ثمالی:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَأَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ قَوْلِ عَلِيِّ عليه السلام يَتَرَادَانِ الْفَضْلَ فَقَالَ: كَانَ عَلِيٌّ عليه السلام يَقُولُ ذَلِكَ قُلْتُ: كَيْفَ يَتَرَادَانِ؟ فَقَالَ: إِنْ كَانَ الرَّهْنُ أَفْضَلَ مِمَّا رُهِنَ بِهِ ثُمَّ عَطِبَ رَدَّ الْمُرْتَهِنُ الْفَضْلَ عَلَى صَاحِبِهِ وَإِنْ كَانَ لَا يَسْوَى رَدَّ الرَّاهِنُ مَا نَقَصَ مِنْ حَقِّ الْمُرْتَهِنِ قَالَ: وَكَذَلِكَ كَانَ قَوْلُ عَلِيِّ عليه السلام فِي الْحَيَوَانِ وَغَيْرِ ذَلِكَ.<sup>۱</sup>

ابو حمزه‌ی ثمالی می‌گوید از امام باقر عليه السلام درباره‌ی قول امیرالمؤمنین عليه السلام که فرمودند «يَتَرَادَانِ الْفَضْلَ» سؤال کردم. حضرت فرمودند امیرالمؤمنین عليه السلام چنین می‌فرمودند. عرض کردم: چگونه فضل را برگرداندند؟ حضرت فرمودند: اگر عین مرهونه بیشتر از آن چیزی است که رهن رهن گرفته، سپس عین مرهونه تلف شد، مرتهن باید مازاد را برگرداند و اگر مال مرهونه مساوی با رهن نیست [یعنی کمتر باشد] در این صورت رهن ما به التفاوت را به مرتهن بپردازد. سپس حضرت فرمودند: قول امیرالمؤمنین عليه السلام در مورد حیوان و غیر حیوان چنین بود.

این روایت از لحاظ سند تمام است و مراد از ابو حمزة به قرینه‌ی حسن بن محبوب و این‌که از امام باقر عليه السلام نقل کرده، ابو حمزه‌ی ثمالی است. ضعف سهل بن زیاد هم ضربه‌ای به سند نمی‌زند چون در آن طبقه احمد بن محمد هم واقع شده که قاعدتاً احمد بن محمد بن عیسی اشعری ثقه است البته اگر احمد بن محمد بن خالد هم باشد باز ثقه است.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۸، کتاب الرهن، باب ۷، ح ۱، ص ۳۹۰ و الکافی، ج ۵، ص ۲۳۴.

مرحوم امام<sup>۱</sup> این روایت را شاهد می‌گیرند که طرفین باید تراز کنند و تراز هم مطلق است و شامل مثلی و قیمی هر دو می‌شود، مراد از «فضل» هم یعنی قیمت آن بیشتر باشد، پس معلوم می‌شود ضمان در تمام اشیاء به قیمت است إلا ما خرج بالدلیل.

### مناقشه در استدلال مرحوم امام<sup>علیه السلام</sup>

خدمت مرحوم امام عرض می‌کنیم این‌جا که امام<sup>علیه السلام</sup> فرمودند اگر عین مرهونه کمتر از حق مرتهن بود، باید رهن ما به التفاوت را پردازد، در این صورت اگر آنچه بر ذمه‌ی رهن بود مثلی بود مانند گندم، در این‌جا رهن چه چیزی را باید برگرداند آیا مازاد گندم را باید پردازد یا قیمت آن را؟ در این‌جا هیچ‌کس قائل نشده که رهن می‌تواند پول آن را برگرداند و اگر چنین حکمی در فقه وجود داشت آشکار می‌شد؛ چون خلاف سیره و ارتکازات عرفیه است. بنابراین معلوم می‌شود حضرت بیش از این در مقام بیان نبودند که طرفین باید مازاد را برگردانند، اما از این جهت که کیفیت ردّ چگونه باید باشد در مقام بیان نبودند. و اما این‌که گفته شود مورد مثلی قطعی بود تخصیص به روایت وارد شده، با شاکله‌ی روایت سازگار نیست.

### ۳. حسنه‌ی کالصحیح‌ه‌ی محمد بن قیس:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ<sup>۲</sup> عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ<sup>علیه السلام</sup> قَالَ: قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ<sup>علیه السلام</sup> فِي الرَّهْنِ إِذَا كَانَ أَكْثَرَ مِنْ مَالِ الْمُرْتَهِنِ فَهَلَكَ أَنْ يُؤَدَّى الْفَضْلَ إِلَى صَاحِبِ الرَّهْنِ وَ إِنْ كَانَ الرَّهْنُ أَقْلَ مِنْ مَالِهِ فَهَلَكَ الرَّهْنُ أَدَّى إِلَى صَاحِبِهِ فَضْلَ مَالِهِ وَإِنْ كَانَ الرَّهْنُ يَسْوَى مَا

۱. کتاب البیع (للإمام الخميني)، ج ۱، ص ۵۸۵:

... و قوله: «فيترادان الفضل» الذي صدّقه أبو إبراهيم (عليه السلام). بل نفس هذه العبارة المنقولة عن أمير المؤمنين (عليه السلام) في الرهن على ما في بعض الروايات، تدلّ على أنّ الضمان بالقيمة؛ لأنّ معنى تراز الفضل أنّ الدين يسقط بحساب الرهن التالف مضموناً، فإن زاد الرهن سقط من الضمان بمقدار الدين، و أخذ الراهن فضله، و إن نقص سقط بمقداره من الدين، و أخذ المرتهن البقية. و السقوط و التهاثر لا معنى لهما إلا مع الضمان بالقيمة، فلو فرض أنّ العهدة مشغلة بالمثل أو العين، لا وجه للتهاثر، بل لا بدّ في المنلى من أداء مثله، و في القيمى تبقى العين على العهدة إلى زمان الأداء، فالسقوط و التهاثر القهري لا وجه له إلا مع الضمان بالقيمة. مع أنّ في الروايات تصريحاً بذلك، ففي صحیحة أبي حمزة قال: سألت أبا جعفر (عليه السلام) عن قول علي (عليه السلام) يترادان الفضل فقال كان علي (عليه السلام) يقول ذلك ... قال و كذلك قول علي (عليه السلام) في الحيوان و غير ذلك.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۸۶:

و ما كان فيه عن محمد بن قيس فقد رويته عن أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله عن إبراهيم بن هاشم، عن عبد الرحمن بن أبي نجران، عن عاصم بن حميد، عن محمد بن قيس.

رَهْنَهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.<sup>۱</sup>

محمد بن قیس از امام باقر علیه السلام چنین نقل می‌کند که امیرالمؤمنین علیه السلام درباره‌ی رهن قضاوت کردند که اگر رهن بیشتر از مال مرتهن بود و تلف شد، مرتهن باید فضل و مازاد آن را به رهن برگرداند و اگر کمتر از مال مرتهن بود و هلاک شد، رهن باید ما به التفاوت را به مرتهن بپردازد، و اگر رهن مساوی مال مرتهن بود بر عهده‌ی او چیزی نیست.

[سند مرحوم صدوق به محمد بن قیس تمام است و چون ابراهیم بن هاشم در آن واقع شده، لذا از آن

تعبیر به حسنه‌ی کالصحیحه می‌شود.]

این روایت نیز مانند روایت قبل می‌باشد و دلالتی بر مطلب ندارد.

#### ۴. موثقه‌ی ابن بکیر:

وَ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ بَكِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي الرَّهْنِ فَقَالَ: إِنْ كَانَ أَكْثَرَ مِنْ مَالِ الْمُرْتَهِنِ فَهَلَكَ أَنْ يُؤَدَّى الْفَضْلَ إِلَى صَاحِبِ الرَّهْنِ وَإِنْ كَانَ أَقَلَّ مِنْ مَالِهِ فَهَلَكَ الرَّهْنُ أَدَى إِلَيْهِ صَاحِبُهُ فَضْلَ مَالِهِ وَإِنْ كَانَ الرَّهْنُ سَوَاءً فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى مِثْلَهُ.<sup>۲</sup>

ابن بکیر می‌گوید از امام صادق علیه السلام درباره‌ی رهن پرسیدم حضرت فرمودند: اگر رهن بیشتر از مال مرتهن بود و تلف شد، مرتهن باید فضل و مازاد را به رهن برگرداند و اگر کمتر از مال مرتهن بود و هلاک شد، رهن باید ما به التفاوت را به مرتهن بپردازد، و اگر رهن مساوی مال مرتهن بود بر عهده‌ی او چیزی نیست.

این روایت از لحاظ سند تمام است و به خاطر ابن بکیر که فطحی و ثقه است، از آن تعبیر به موثقه

می‌شود. از لحاظ دلالت هم مثل دو روایت قبل است و مدعای مرحوم امام علیه السلام را اثبات نمی‌کند.

۱. همان، ح ۴، ص ۳۹۲ و من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۲.

۲. همان، ح ۳، ص ۳۹۱ و الکافی، ج ۵، ص ۲۳۴.